



## مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران

### ماده ۴۵۴

"کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاهها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند."

۱۳۹۸/۰۶/۲۶

۷/۹۸/۴۳۷

شماره پرونده: ۹۸-۱۳۹-۴۳۷ ح

### نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

اولاً، مطابق ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ داوری منوط به توافق طرفین است و دادگاه یا دادسرا رأسا نمی تواند اختلافی را به داوری ارجاع دهد. بدیهی است که اختیارات مقام قضایی در ارجاع موضوع به میانجی گری وفق ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تحقق شرایط مذکور در این ماده قابل اعمال خواهد بود؛ ثانیاً، صرفاً رسیدگی به جنبه خصوصی جرایم مانند ضرر و زیان ناشی از جرم با توافق طرفین قابل ارجاع به داوری است. /ت

**دکتر محمد علی شاه حیدری پور**

**مدیر کل حقوقی قوه قضائیه**

۱۵/۱۱/۹۷

۲۷۷۵/۹۷/۷

شماره پرونده: ۹۷-۱۳۹-۲۷۷۵ ح

## نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

بازگشت به استعلام شماره ۲۴/۲۱۰/ح/ش/۹۰۲۷ مورخ ۲۵/۰۹/۱۳۹۷ به شماره ثبت وارده ۲۷۷۵ مورخ ۰۸/۱۰/۱۳۹۷ نظریه مشورتی این اداره کل به شرح زیر اعلام می‌گردد:

مستفاد از مواد ۳، ۴ و ۵ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۷۶/۵/۲۶ و مواد ۶ و ۱۷ آیین‌نامه اجرایی آن، صدور دستور تخلیه توسط مرجع قضایی (در حال حاضر شورای حل اختلاف) امری توافقی نیست و مرجع قضایی در صورت تنظیم اجاره‌نامه طبق مقررات قانون فوق‌الذکر و انقضای مدت اجاره باید دستور تخلیه را صادر کند. در حالی‌که طبق ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۱۳۷۹ شرط داوری ناظر به رسیدگی به اختلافات طرفین است. بنابراین وجود شرط داوری مانع تقاضا و صدور دستور تخلیه برابر مقررات یادشده توسط مرجع قضایی نخواهد بود. البته با توجه به اینکه اختلافات ناشی از عقد اجاره و تمدید یا عدم تمدید آن باید با مراجعه به داوری مورد رسیدگی قرار گیرند، بنابراین هرگاه بعد از صدور دستور تخلیه مستأجر در اجرای ماده ۱۷ آیین‌نامه یادشده به ادعای تمدید یا عدم تمدید اجاره و امثال آن نسبت به صدور دستور تخلیه شکایت کند و مرجع صادرکننده دستور مزبور، ادعا را موثر در تخلیه یا نحوه آن بداند، باید ضمن عدول از دستور تخلیه و رفع اثر از آن طرفین را به مراجعه به داوری هدایت کند. /ح

**دکتر محمد علی شاه حیدری پور**

**مدیرکل حقوقی قوه قضائیه**

۹۷/۶/۲۷

۷/۹۷/۱۹۴۵

شماره پرونده: ۹۶-۱۳۹-۱۶۷۷ ح

## نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

بازگشت به استعلام شماره ۹۰۲۷/۱۸۲۱/۶۰۰ مورخ ۳۰/۰۸/۱۳۹۶ به شماره ثبت وارده ۲۲۱۵ مورخ ۰۷/۰۹/۱۳۹۶ نظریه مشورتی کمیسیون آیین دادرسی مدنی این اداره کل به شرح زیر اعلام می‌گردد:

برابر ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی ۷۹ طرفین می توانند منازعه و اختلاف خود را در هر مرحله ای از رسیدگی به داوری ارجاع دهند. گرچه قانون در خصوص نحوه اقدام دادگاه تجدیدنظر در صورت توافق طرفین در مرحله تجدیدنظر برای ارجاع دعوا به داوری ساکت است، اما با توجه به اینکه اولاً آنچه ارجاع به داوری می‌شود «دعوا» است نه «تجدیدنظرخواهی از رأی نخستین» و ثانیاً مادام که رأی بدوی (ولو غیرقطعی) نقض نشده است با عنایت به ملاک ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی در امور مدنی امکان رسیدگی موازی و صدور رأی احیاناً معارض از سوی داور وجود ندارد و نقض رأی دادگاه به وسیله داور نیز برخلاف موازین است، دادگاه تجدیدنظر باید با نقض رأی بدوی، پرونده را به این دادگاه جهت ارجاع به داوری ارسال دارد؛ همانگونه که در ماده ۴۹۴ قانون یاد شده در موارد ارجاع به داوری در مرحله فرجامی پرونده باید به دادگاه صادرکننده رأی فرجام‌خواسته ارسال شود. بدیهی است در موارد ماده ۴۹۴ اخیرالذکر نیز ارسال پرونده به دادگاه صادرکننده رأی فرجام‌خواسته با توجه به اصول و مبانی فوق‌الذکر و به قرینه «یا مورد از موارد ارجاع به داوری تشخیص داده شود» دیوان عالی کشور رأی مذکور را نقض و سپس پرونده را به دادگاه مزبور ارسال دارد. /ت

**دکتر محمد علی شاه حیدری پور**

**مدیر کل حقوقی قوه قضائیه**

پاسخ سوال دوم مربوط به ماده ۴۵۴ می باشد.

۹۴/۶/۱۶

۷/۹۴/۱۵۵۹

۹۴-۱۳۹-۵۰

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه

عطف به استعلام شماره ۹۳۱۰۱۱۳۴۲۷۲۰۰۶۶۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۳ نظریه مشورتی کمیسیون آئین دادرسی مدنی این اداره کل به شرح زیر اعلام می گردد:

۱- صرفنظر از مصداق خاصی که در استعلام مطرح شده است، با فرض دولتی بودن مرجعی که رأی داوری علیه آن صادر شده است و با فرض رعایت مقررات اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۴۵۷ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ در ارجاع امر به داوری، با توجه به ماده ۴۸۸ قانون فوق الذکر و با لحاظ ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵، محرز است که اولاً اجرای رأی داوری، مشمول ماده واحده فوق الذکر می گردد و ثانیاً طبق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، از جمله شرایط امکان محکومیت محکوم علیه به پرداخت دین با محاسبه شاخص سالانه بانک مرکزی، تمکن مدیون است که در مورد ادارات و مؤسسات دولتی با لحاظ ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵، شرط تمکن وقتی محقق می شود که محکوم به در بودجه منظور و پادار شده باشد. و اجرای حکم علیه دولت و مؤسسات دولتی، منوط به تأمین اعتبار در بودجه خواهد بود، لذا مستلزم تأدیه خسارت تأخیر تأدیه نمی باشد بدیهی است، پس از گذشت مدت مندرج در ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین و توقیف اموال دولتی مصوب سال ۱۳۶۵، صدور حکم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه بلامانع می باشد. ضمناً با توجه به ماده واحده قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری ها مصوب ۱۳۶۱، شهرداری ها نیز وضع مشابهی دارند.

۲- با توجه به ماده ۴۵۴ قانون آئین دادرسی در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ چنانچه، بین طرفین در خصوص تعیین خسارت تأخیر تأدیه، توافقی بر ارجاع آن به داور نشده باشد، رسیدگی به مطالبه خسارت تأخیر تأدیه مربوط به محکوم به، در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی خواهد بود. /ق

دکتر محمد علی شاه حیدری پور-مدیرکل حقوقی قوه قضائیه